

# گرای باقر

خاطرات شفاهی

محمد (باقر) نیک‌سخن

دیدبان لشکر ۱۷ امام علی بن ابیطالب علیه السلام

در دوران دفاع مقدس

امیرحسین انبارداران

WWW.Ketab.ir

## گرای باقر

۶۷۱

نویسنده: امیرحسین انبازداران، ویراستار: حسین صادقی‌فرد، انتشارات: شهید کاظمی، نوبت چاپ: یکم - زمستان ۱۴۰۲، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه، شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۵-۲۶۳-۴، قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

تمام حقوق برای نشر شهید کاظمی محفوظ است

دفتر مرکزی نشر و بخش: قم، نمایان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، فروشگاه ۱۳۱.

تلفن: ۰۲۵-۳۳۵۵۱۸۱۸

www.manvaketab.ir | شماره تماس کوتاه: ۳۰۰۱۴۱۴۴۱

@nareshahidkazemi

سرشناسه: انبازداران، امیرحسین، ۱۳۴۸ - | عنوان و نام پدیدآور: گرای باقر، خاطرات شفاهی محمد باقر (باقر) نیک‌سخن، دیدبان لشکر ۱۷ امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) در دوران دفاع مقدس/امیرحسین انبازداران. | مشخصات نشر: قم، انتشارات شهید کاظمی، ۱۴۰۲. | مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص. | شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۵-۲۶۳-۴ | وضعیت فهرست نویسی: فیبا | عنوان دیگر: خاطرات شفاهی محمد باقر (باقر) نیک‌سخن، دیدبان لشکر ۱۷ امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) در دوران دفاع مقدس. | موضوع: نیک‌سخن، محمد، ۱۳۴۳ - -- خاطرات | موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - -- خاطرات | Iraq War, Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ - -- Personal narratives | تاریخ شفاهی - - ایران | Oral history - - Iran | رده بندی کنگره: DSR1670 | رده بندی دیویی: ۹۵۵/۸۴۰۹۲ | شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۵۵۱۵۸

### به جای مقدمه

درود به روان پاک شهیدان، سلام بر جانبازان و آزادگان هشت سال دفاع مقدس و سلام بر دلاورانی که در این کشور اسلامی، دفاع را به بهترین نحو به تصویر کشیدند و مظلومان و مستضعفان جهان را برای نجات از ستم زورمندان و ظالمان امیدوار کردند.

قصد اینجانب از بیان خاطرات دفاع مقدس، کامل کردن سال‌های مبارزه و مجاهدت خود و هم‌زمانم در طول دفاع مقدس است. من با بیان خاطراتم خواستم بگویم برای ملتی که تحت ظلم و نبرد ناخواسته قرار می‌گیرد، چاره مبارزه است، نه تسلیم.

مردم ایران ثابت کردند با دست خالی هم می‌توان مبارزه و دفاع کرد و در حین مبارزه، با تلاش بیشتر، به امکانات و تخصص‌های لازم هم دست پیدا کرد. تمام مبارزات مظلومان علیه ستمگران قابل تقدیر و تعظیم است؛ حال اگر این مبارزه و مجاهدت به فرماندهی عبد صالح خدا، امام خمینی باشد، چقدر لذت بخش‌تر و جذاب‌تر می‌شود. او به ما آموخت که وقتی بنده خدا و مجاهد فی سبیل الله شویم، در همه حال پیروزیم، چه بکشیم و چه کشته شویم. لذا افتخار می‌کنم که هشت سال در خدمت چنین بندگان شایسته‌ای بودم.

من خاطرات خود از دفاع مقدس را بیان کردم تا سهم کوچکی در ثبت مبارزه

و دفاع یک ملت از کیان اعتقادی و سرزمینی خود داشته باشم و همان‌گونه که در کتاب هم تأکید کرده‌ام، اگر صبوری و پشتیبانی تمام‌قد خانواده‌های معظم شهدا و رزمندگان نبود، هرگز این مبارزه شرافتمندانه با این همه عزت شکل نمی‌گرفت.

معمولاً در مقدمه کتاب‌ها از افرادی تشکر می‌کنند؛ پس به همین سیاق، لازم می‌دانم ابتدا از هم‌سنگران خوبم در واحد دیدبانی توپخانه و ادوات لشکر ۱۷ امام علی بن ابیطالب علیه السلام تشکر کنم. چه آن‌هایی که نامشان در این خاطرات آمده و چه آن‌ها که ذهن من یاری نکرده، اما به یقین نامشان در دفتر مجاهدان فی سبیل الله ثبت است.

و بعد، از همه کسانی که حقی بر گردن من دارند تشکر کنم، خصوصاً مادر عزیزم - که روحش شاد - و همسر مهربانم و همین‌طور از اساتید خودم در دوره‌های مختلف آموزشی که ریشه تمام موفقیت‌های من را رقم زدند. سپاس ویژه از اساتید خوبم آقایان: علی اصغر زینعلی، سردار کریم نصر اصفهانی، سردار مجید آینه و مرحوم جاسم عراقی.

همچنین قدردان زحمات برادر خوبم جناب آقای امیرحسین انبارداران هستم که زحمت نگارش این خاطرات را به عهده گرفت و انتشارات شهید کاظمی که آن را منتشر نمود.

آنچه در این کتاب آمده، بخشی از انبوه خاطرات شخصی من است که هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم بر زبانم بیاید. امان از رفقای بد؛ رفقای که برایم عطر شهید هادی زیباطلب را دارند. رفقای مثل حاج «ابوالفضل دهقان»، حاج «محمود پاک‌نژاد» و حاج «حمید آزادگان» که مجبورم کردند این حرف‌ها را از سینه‌ام بیرون بریزم.

والعاقبة للمتقين

محمد(باقر) نیک سخن

پاییز ۱۴۰۲